

نقش دینداری، خانواده‌گرایی، رسانه‌های نوین و بازاندیشی مدرن در نگرش به فرزندآوری در زنان و مردان متأهل ۴۹-۱۸ ساله

محمد عباس زاده^۱، توکل آقایی هیر^۱، محمد باقر علیزاده اقدام^۱، صمد عدلی پور^{۱*}

۱. دانشکده حقوق و علوم اجتماعی، دانشگاه تبریز، تبریز، ایران

نشریه پایش

سال هجدهم، شماره دوم، فروردین - اردیبهشت ۱۳۹۸ صص ۱۸۲-۱۷۳

تاریخ پذیرش مقاله: ۱۳۹۸/۳/۸

انشر الکترونیک پیش از انتشار - ۱۲ خرداد ۹۸

چکیده

مقدمه: به باور جامعه‌شناسان، بخشی از تغییر و تحولات خانوادگی در ایران محصول تغییر نگرش‌های افراد است. یکی از این تغییرات، تغییر ارزش فرزند و فرزندآوری است. از آنجایی که نگرش‌ها، باورها و ارزش‌های افراد در تمایلات و رفتار فرزندآوری آنها تأثیرگذارند، پژوهش حاضر درصدد مطالعه برخی از عوامل اجتماعی تأثیرگذار بر نگرش به فرزندآوری در بین زنان و مرد متأهل است.

مواد و روش کار: این مطالعه مقطعی (توصیفی-تحلیلی)، بر روی زنان و مردان متأهل ۴۹-۱۸ سال شهر تبریز انجام گرفت. ۴۱۵ نفر به روش نمونه‌گیری خوشه‌ای انتخاب شدند. ابزارهای پژوهش شامل پرسشنامه‌های محقق‌ساخته نگرش به فرزندآوری، دینداری، خانواده‌گرایی و بازاندیشی مدرن بود. داده‌ها با استفاده از آزمون‌های متناسب (T و F، آزمون همبستگی پیرسون و رگرسیون چندگانه) تحلیل شدند.

یافته‌ها: وفق نتایج نگرش به فرزندآوری زنان و مردان تفاوت معنادار نداشت ($p=0/919$)، اما نگرش به فرزندآوری در بین افراد با تحصیلات ($p=0/010$) و پایگاه اقتصادی-اجتماعی ($p=0/027$) مختلف با هم تفاوت معنادار داشت.

بین خانواده‌گرایی ($p=0/001$ ، $r=0/54$) و دینداری ($p=0/001$ ، $r=0/42$) با نگرش به فرزندآوری همبستگی مستقیمی وجود داشت و بین بازاندیشی مدرن ($p=0/001$ ، $r=-0/38$)، میزان استفاده از اینترنت ($p=0/001$ ، $r=-0/30$) و میزان استفاده از شبکه‌های اجتماعی مجازی ($p=0/001$ ، $r=-0/24$) با نگرش به فرزندآوری همبستگی معنادار معکوس وجود داشت. همچنین متغیرهای مستقل وارد شده در مدل رگرسیونی پژوهش توانسته‌اند ۴۰ درصد از واریانس نگرش به فرزندآوری مشارکت‌کنندگان را تبیین کنند.

بحث و نتیجه‌گیری: برای ایجاد نگرش مثبت به فرزند و فرزندآوری در بین خانواده‌های ایرانی باید به نقش عواملی چون خانواده‌گرایی و دینداری توجه نمود و برای تقویت آنها برنامه‌ریزی و سیاستگذاری نمود.

کلیدواژه: دینداری، خانواده‌گرایی، رسانه‌های نوین، بازاندیشی مدرن، فرزندآوری

* نویسنده پاسخگو: تبریز، دانشگاه تبریز، دانشکده حقوق و علوم اجتماعی، گروه علوم اجتماعی

E-mail: s.adlipour@tabrizu.ac.ir

مقدمه

ایران از جمله کشورهایی است که کاهش شدید باروری در جهان را تجربه کرده است. کاهش ۵۰ درصدی باروری نه تنها این کشور را در بین کشورهای مسلمان منحصر به فرد کرده است، بلکه به نظر می رسد چنین حدنصابی در هیچ جای دیگر قابل مشاهده نیست [۱، ۲]. نتایج سرشماری ها و آمارهای موجود در ایران نشان می دهد که میزان باروری کل از حدود ۷/۷ فرزند برای هر زن در سال ۱۳۴۵ به ۲/۰۱ فرزند در بین سال های ۹۵-۱۳۹۱ رسیده است [۳]؛ به طوری که متوسط رشد سالانه جمعیت ۳/۹ درصدی سال های ۶۵-۱۳۵۵ بر اساس آمار سرشماری سال ۱۳۹۵ به ۱/۲۴ درصد کاهش یافته است [۴].

تحقیقات صورت گرفته در داخل کشور عوامل متعددی را در کاهش باروری و فرزندآوری دخیل می دانند. از جمله این عوامل می توان به تغییرات فرهنگی یعنی سکولاریسم، فردگرایی، فرسایش ارزش های خانوادگی [۵]، سبک زندگی مدرن [۶]، افزایش سطح توسعه، شهرنشینی و صنعتی شدن [۷]، جهانی شدن، افزایش آگاهی و انتظارات زنان، دگرگونی در نقش و موقعیت زنان [۸]، سن ازدواج و مدیریت بدن [۹]، افزایش تحصیلات [۱۰]، بازاندیشی در نقش مادری و ارزش فرزند [۱۱]، سقط جنین و میزان استفاده از رسانه های نوین [۱۲]، افزایش مصرف گرایی، سن ازدواج و طلاق [۱۳]، مشکلات اقتصادی و درآمد پایین [۱۴] افزایش دسترسی زنان به منابع ارزشمند (تحصیلات، اشتغال، سرمایه اقتصادی) و کاهش مشارکت آنان در تقسیم کار خانگی [۱۵]، اشاره نمود.

فرزندآوری به عنوان یک کنش اجتماعی، علاوه بر بعد رفتاری، دارای بعد نگرشی، معنایی و بین ذهنی است. در واقع، نگرش های باروری افراد به عنوان یکی از مهمترین عوامل تعیین کننده رفتار باروری محسوب می شوند. از این رو، رفتارهای باروری تا حد زیادی انعکاسی از نگرش ها و ایستارهای فرزندآوری است [۱۶]. با افزایش نگرش منفی زنان نسبت به فرزند، رفتار و ایده آل باروری زنان و یا به عبارتی نرخ تولد کم می شود [۱۷، ۹]. همچنین نگرش مثبت نسبت به فرزند و فرزندآوری نه تنها موجب فرزندآوری زودهنگام می شود بلکه موجب فرزندآوری بیشتر نیز می شود [۱۸، ۱۹].

در طی چند دهه گذشته، ایران تغییرات مختلف ارزشی و نگرشی در زمینه مسائل باروری و فرزندآوری را تجربه کرده است. نسل جدید، فرزند را مخل آسایش و پرهزینه می داند و با توجه به این که والدین دیگر خواسته های خود را از لحاظ عواطف در فرزندان

نمی یابند، تمایلی برای فرزندآوری بیشتر ندارند. گرایش به فرزندآوری کمتر نشانه آن است که زنان به کشف های جدیدی دست یافته اند؛ از جمله آن که از محیط های کوچک خانوادگی شان بیرون آمده اند، تحصیل می کنند، در مناسبات اجتماعی شرکت کرده و در همه عرصه ها فعال اند و البته قصد دارند برای فرزندان کمتر خود مادران بهتری هم بشوند. در واقع، زنان امروز هویت زنانه خود را در جاهای دیگری جز خانه و مادر شدن جستجو می کنند [۲۰، ۲۱].

کاهش تمایل به فرزندآوری در بین خانواده ها از مهمترین مسائل اجتماعی است که جامعه ما نیز با آن مواجه است. لذا با توجه به کاهش نرخ جمعیت در سایه کاهش باروری در سال های اخیر و ضرورت اتخاذ تصمیمات و سیاست های روشن و شفاف در زمینه فرزندآوری و آهنگ رشد جمعیت در سال های آتی، آگاهی و شناخت از نگرش های فرزندآوری و عوامل تعیین کننده آن بسیار بااهمیت است. البته شایان ذکر است نگرش افراد نسبت به فرزندآوری تحت تاثیر عوامل مختلفی است که در این بین، دینداری و خانواده گرایی به عنوان دو عامل سنتی مهم در فرهنگ ما ایرانیان و استفاده از رسانه های نوین و بازاندیشی مدرن به عنوان دو عامل مدرن تاثیرگذار بر نگرش های افراد در زمینه فرزندآوری می توانند نقش داشته باشند [۵]. بنابراین، هدف پژوهش حاضر، مطالعه نگرش زنان و مردان متأهل ۴۹-۱۸ سال شهر تبریز نسبت به فرزندآوری و تعیین نقش برخی از عوامل اجتماعی و فرهنگی (دینداری، خانواده گرایی، استفاده از رسانه های نوین و بازاندیشی مدرن) تاثیرگذار بر آن است. بر این اساس در پژوهش حاضر این سوالات که "نگرش زنان و مردان متأهل شهر تبریز نسبت به فرزندآوری چگونه است" و "عوامل اجتماعی و فرهنگی بالا چه تاثیری بر نگرش های آنها در زمینه فرزندآوری دارند؟" مورد بررسی قرار گرفتند.

مواد و روش کار

داده های این مطالعه مقطعی (توصیفی-تحلیلی) از طریق پرسشنامه در پاییز و زمستان ۱۳۹۷ در شهر تبریز گردآوری شده است. جامعه آماری پژوهش را زنان و مردان متأهل ۴۹-۱۸ سال خانوارهای شهر تبریز تشکیل داده اند که تعداد آنها بر اساس سرشماری عمومی نفوس و مسکن سال ۱۳۹۵ برابر با ۵۶۳۶۶۰ خانوار بود. حجم نمونه از طریق فرمول کوکران ۴۱۵ نفر برآورد شده است. لازم به توضیح است که در فرمول کوکران، n حجم

نمونه، N حجم جامعه آماری، t ضریب مشخص کننده احتمال خطا در حدود اطمینان مورد بررسی ($0/95$) که در جدول مقادیر استاندارد آن برابر $1/96$ است و d خطای قابل قبول اندازه گیری در سطح اطمینان مورد بررسی است که مقدار آن برابر با ($0/05$) است و S^2 به واریانس صفت مورد مطالعه در جامعه مورد بررسی اشاره می کند که میزان آن با استفاده از یک مطالعه مقدماتی در بین 50 نفر از افراد جامعه $0/27$ ، برآورد شده است.

$$n = \frac{N \cdot t^2 \cdot S^2}{N \cdot d^2 + t^2 \cdot S^2} = \frac{563660 \cdot 3.84 \cdot 0.27}{563660 \cdot 0.0025 + 3.84 \cdot 0.27} = 415$$

نمونه گیری به روش خوشه ای چند مرحله ای انجام شد. روش کار به این صورت بود که در مرحله نخست، هر یک از مناطق ده گانه شهرداری تبریز به عنوان یک خوشه در نظر گرفته شد. در مرحله دوم، فهرستی از محلات هر منطقه تهیه شد و در هر منطقه یکی از محله ها به صورت تصادفی انتخاب و پرسشنامه ها تکمیل شدند. در مراجعه به محلات، به علت عدم وجود لیست اسامی و تعداد افراد متاهل در آن محله، از افراد در دسترس استفاده شد. در خصوص مسایل اخلاقی مطالعه نیز گفتنی است که اهداف مطالعه برای شرکت کنندگان توضیح داده شد، رضایت آنها برای همکاری جلب شد، اطمینان داده شد که تکمیل پرسشنامه هیچ ضرر و زبانی را برای آنها در پی نداشته و پرسشنامه ها بدون نام هستند و رازداری کامل در مورد اطلاعات اخذ شده رعایت خواهد شد. تحلیل آماری یافته های پژوهش با استفاده از نرم افزار SPSS نسخه ۲۱ و بهره گیری از آزمون های T و F ، همبستگی پیرسون و رگرسیون صورت گرفت. همچنین برای سنجش متغیرهای پژوهش از پرسشنامه استفاده شد. ابزار گردآوری داده ها شامل فرم مشخصات دموگرافیک و پرسشنامه های زیر بودند:

برای سنجش متغیر نگرش به فرزندآوری از پرسشنامه محقق ساخته استفاده شد. این مقیاس با استفاده از ۷ گویه در قالب طیف لیکرت پنج گزینه ای (از کاملاً مخالفم تا کاملاً موافقم) سنجیده شده است. جهت تعیین اعتبار گویه ها از سه روش اعتبار صوری (کیفی و کمی)، اعتبار محتوا (CVR و CVI) و اعتبار سازه (تحلیل عاملی) استفاده شد. دامنه امتیازات پرسشنامه بین ۷ تا ۳۵ است. به نحوی که پاسخگویی که امتیاز کلی شان بین ۷ تا ۲۱ است نگرش منفی نسبت به فرزندآوری دارند و افرادی که امتیاز کلی شان بین ۲۲ تا ۳۵ است نگرش مثبت نسبت به فرزندآوری دارند. پایایی گویه ها به وسیله ضریب آلفای کرونباخ سنجیده شد و

مقدار آن $0/80$ به دست آمد. برای سنجش متغیر خانواده گرایی از پرسشنامه محقق ساخته استفاده شده است. این مفهوم با استفاده از ۸ گویه در قالب طیف لیکرت پنج گزینه ای (از کاملاً مخالفم تا کاملاً موافقم) سنجیده می شود. اعتبار صوری (کیفی و کمی)، محتوایی (CVR و CVI) و سازه ای پرسشنامه مورد تأیید قرار گرفت. دامنه امتیازات پرسشنامه بین ۸ تا ۴۰ است. به نحوی که پاسخگویی که امتیاز کلی شان بین ۸ تا $18/66$ است میزان خانواده گرایی شان پایین، افرادی که امتیازشان بین $18/67$ تا $29/33$ است میزان خانواده گرایی شان متوسط و افرادی که امتیازشان بین $29/34$ تا ۴۰ است از میزان خانواده گرایی بالایی برخوردارند. پایایی گویه ها به وسیله ضریب آلفای کرونباخ سنجیده شد و مقدار آن $0/83$ به دست آمد.

برای اندازه گیری میزان دینداری افراد از پرسشنامه محقق ساخته استفاده شده است. دینداری شامل چهار بعد مناسکی، پیامدی، احساسی و اعتقادی است. این مقیاس در قالب طیف لیکرت پنج گزینه ای با استفاده از ۲۱ گویه مورد سنجش قرار گرفته است. اعتبار صوری (کیفی و کمی)، محتوایی (CVR و CVI) و سازه ای پرسشنامه مورد تأیید قرار گرفت. دامنه امتیازات پرسشنامه بین ۲۱ تا ۱۰۵ است. به طوری که پاسخگویی که امتیاز کلی شان بین ۲۱ تا ۴۹ است میزان دینداری شان پایین، افرادی که امتیازشان بین $49/01$ تا $77/01$ است میزان دینداری شان متوسط و افرادی که امتیازشان بین $77/02$ تا ۱۰۵ است از میزان دینداری بالایی برخوردارند. پایایی گویه ها به وسیله ضریب آلفای کرونباخ سنجیده شد و مقدار آن برای بعد اعتقادی $0/93$ ، بعد احساسی $0/92$ ، بعد مناسکی، $0/88$ ، بعد پیامدی $0/86$ و کل دینداری $0/95$ به دست آمد. برای سنجش مفهوم بازاندیشی مدرن از پرسشنامه محقق ساخته بهره گرفته شده است. برای سنجش این مفهوم از ۱۷ گویه در قالب طیف لیکرت پنج گزینه ای (از کاملاً مخالفم تا کاملاً موافقم) استفاده می شود. اعتبار صوری (کیفی و کمی)، محتوایی (CVR و CVI) و سازه ای پرسشنامه مورد تأیید قرار گرفت. در مجموع این مقیاس شامل ۱۷ گویه است. دامنه امتیازات پرسشنامه بین ۱۷ تا ۸۵ است. به نحوی که پاسخگویی که امتیاز کلی شان بین ۱۷ تا $39/66$ است میزان بازاندیشی شان پایین، افرادی که امتیازشان بین $39/67$ تا $62/27$ است میزان بازاندیشی شان متوسط و افرادی که امتیازشان بین $62/28$ تا ۸۵ است از میزان بازاندیشی

بالایی برخوردارند. پایایی گویه‌ها به وسیله ضریب آلفای کرونباخ سنجیده شد و مقدار آن ۰/۸۸ به دست آمد. برای عملیاتی کردن متغیر میزان استفاده از رسانه‌های نوین (اینترنت و شبکه‌های اجتماعی مجازی) از میزان ساعاتی که فرد در طی یک هفته از این رسانه‌های نوین استفاده می‌کند، سوال شد.

یافته‌ها

یافته‌های توصیفی پژوهش بیانگر آن است که ۵۱/۶ درصد (۲۱۴ نفر) از پاسخگویان، زن و ۴۸/۴ درصد (۲۰۱ نفر) مرد هستند. از لحاظ سنی، پاسخگویان در بازه سنی بین ۱۸ تا ۴۹ سال قرار دارند و میانگین (انحراف معیار) سنی آنها (۸/۱۴۲) ۳۳/۶۱ سال است. ۶/۹ درصد دارای تحصیلات ابتدایی و راهنمایی، ۳۳/۵ درصد متوسطه، ۴۱/۷ درصد کاردانی و کارشناسی و ۱۷/۸ درصد نیز دارای تحصیلات کارشناسی‌ارشد و دکتری هستند. همچنین ۱۹/۵ درصد پاسخگویان از پایگاه اقتصادی- اجتماعی پایین، ۲۳/۹ درصد متوسط رو به پایین، ۳۱/۸ درصد متوسط رو به بالا و ۲۴/۸ درصد نیز از پایگاه اقتصادی- اجتماعی بالا هستند. اطلاعات جدول ۱ بیانگر آن است که بین جنسیت و نگرش نسبت به فرزندآوری تفاوت معنادار وجود ندارد و زنان و مردان متاهل نگرش مشابهی به فرزندآوری دارند. یافته‌های جدول ۲ حاکی از آن است که بین پایگاه اقتصادی- اجتماعی و نگرش به فرزندآوری تفاوت معنادار وجود دارد؛ به طوری که افراد طبقات پایین نسبت به طبقات بالاتر نگرش مثبتی به فرزندآوری دارند و افراد طبقه بالا نگرش منفی‌تری نسبت به بقیه طبقات در زمینه فرزندآوری دارند. همچنین افرادی

که دارای تحصیلات پایین‌تری هستند دارای نگرش مثبتی به فرزندآوری نسبت به افراد دارای تحصیلات بالا هستند. اطلاعات جدول شماره ۳ نشانگر آن است که بین خانواده‌گرایی و دینداری با نگرش به فرزندآوری همبستگی معنادار وجود دارد؛ به طوری که با افزایش میزان خانواده‌گرایی و دینداری افراد، نگرش‌های آنها نسبت به فرزندآوری مثبت می‌شود. همچنین بین بازاندیشی مدرن، میزان استفاده از اینترنت و شبکه‌های اجتماعی مجازی با نگرش به فرزندآوری همبستگی معناداری وجود دارد؛ به نحوی که با افزایش میزان بازاندیشی مدرن و افزایش میزان استفاده افراد از اینترنت و شبکه‌های اجتماعی مجازی، نگرش آنها نسبت به فرزندآوری منفی می‌شود ($\text{Sig.} < 0.01$).

جدول شماره ۴، مدل رگرسیونی چندگانه نگرش به فرزندآوری را نشان می‌دهد. اطلاعات مندرج در این جدول نشان می‌دهد همبستگی چندگانه معادل ۰/۶۴ محاسبه شده که گویای این مطلب است که متغیرهای پیش‌بین به طور همزمان ۰/۶۴ با نگرش به فرزندآوری ارتباط دارند. همچنین ۴۰ درصد از تغییرات نگرش به فرزندآوری پاسخگویان توسط متغیرهای مستقل تبیین شده است. ضرایب تأثیر استاندارد موجود در این جدول نشان می‌دهد که قوی‌ترین پیش‌بینی‌کننده‌های گرایش به فرزندآوری به ترتیب، متغیرهای خانواده‌گرایی (۰/۴۳)، بازاندیشی مدرن (۰/۲۳-)، میزان استفاده از اینترنت (۰/۲۲-)، و دینداری (۰/۱۰-) هستند. ($\text{Sig.} < 0.05$) همچنین میزان استفاده از شبکه‌های اجتماعی مجازی تأثیر معنادار بر نگرش افراد نسبت به فرزندآوری نداشت ($\text{Sig.} > 0.01$).

جدول ۱: آزمون T برای مقایسه میانگین نگرش به فرزندآوری به تفکیک جنسیت

گروه‌ها	تعداد	میانگین	انحراف معیار	T	درجه آزادی	سطح معناداری
زن	۲۱۴	۲۲/۹۴	۵/۶۵	۰/۱۰۲	۴۱۳	۰/۹۱۹
مرد	۲۰۱	۲۲/۸۹	۵/۹۶			

جدول ۲: آزمون F برای مقایسه میانگین نگرش به فرزندآوری بر حسب پایگاه اقتصادی- اجتماعی و تحصیلات

گروه‌ها	تعداد	میانگین	انحراف معیار	F	سطح معناداری
بالا	۱۰۳	۲۱/۹۴	۵/۸۰	۳/۰۹	۰/۰۲۷
متوسط رو به بالا	۱۳۲	۲۲/۶۱	۵/۱۸		
متوسط رو به پایین	۹۹	۲۳/۰۸	۵/۵۳		
پایین	۸۱	۲۴/۴۶	۶/۷۵		
ابتدایی و راهنمایی	۳۰	۲۵/۶۸	۴/۳۱	۳/۸۱	۰/۰۱۰
متوسطه	۱۳۹	۲۳/۴۳	۵/۸۳		
کاردانی و کارشناسی	۱۷۲	۲۲/۵۲	۵/۸۴		
کارشناسی‌ارشد و دکتری	۷۴	۲۱/۸۱	۵/۷۸		

جدول ۳: آزمون همبستگی بین متغیرهای پژوهش

خانواده‌گرایی	دینداری	بازاندیشی مدرن	استفاده از اینترنت	شبکه‌های اجتماعی مجازی	نگرش به فرزندآوری
خانواده‌گرایی	۱				
دینداری	۰/۴۶**	۱			
بازاندیشی مدرن	۰/۰۰۱	۰/۳۵**	۱		
استفاده از اینترنت	۰/۰۰۱	۰/۰۰۱	۰/۲۴**	۱	
شبکه‌های اجتماعی مجازی	۰/۰۰۱	۰/۰۰۱	۰/۲۰**	۰/۸۲**	۱
نگرش به فرزندآوری	۰/۵۴**	۰/۴۲**	۰/۳۸**	۰/۳۰**	۰/۲۴**

** p<0.01

جدول ۴: مدل رگرسیونی چندگانه نگرش به فرزندآوری

ضریب رگرسیون غیراستاندارد	ضریب رگرسیون استاندارد	t	سطح معناداری	ضریب همبستگی چندگانه	ضریب تبیین	F	سطح معناداری
۰/۴۳	۰/۴۳	۹/۹۶	۰/۰۰۱				
-۰/۱۳	-۰/۲۳	-۵/۶۱	۰/۰۰۱				
-۰/۶۶	-۰/۲۲	-۳/۲۷	۰/۰۰۱	۰/۶۴	۰/۴۰	۵۶/۵۳	۰/۰۰۱
۰/۰۳	۰/۱۰	۲/۱۶	۰/۰۳۱				
-۰/۲۶	-۰/۰۹	-۱/۳۵	۰/۱۷۷				

بحث و نتیجه‌گیری

یافته‌های پژوهش بیانگر آن است که بین نگرش‌های زنان و مردان متأهل نسبت به فرزندآوری تفاوت معنادار وجود ندارد. این یافته در راستای یافته‌های پژوهش موسوی و قافله‌باشی، پیلتن و رحمانیان است که نشان دادند بین زنان و مردان از حیث نگرش و تمایل به فرزندآوری تفاوتی وجود ندارد [۲۳، ۲۲]. در تحلیل این امر می‌توان گفت که با توجه به نظریه تساوی حقوق جنسیتی و بهبود وضعیت زنان، تغییرات ایجاد شده در جایگاه زنان به حضور بیشتر زنان در جامعه، دسترسی زنان به موقعیت‌های شغلی بهتر و در بعضی مواقع برابر با مردان، دستیابی به مدارج تحصیلی بالاتر و درآمد مستقل و... در زنان منجر شده است. همه این موارد زنان را در جایگاهی برابر با مردان قرار داده و دغدغه‌های تساوی حقوق را برای آنان زنده کرده است؛ به نحوی که زنان خواستار دستیابی به حقوق مساوی با مردان شده‌اند. نتیجه این تساوی در جایگاه زنان و مردان، ایجاد نگرش‌هایی یکسان در امور مختلف است. نگرش به فرزند نیز از این امر مستثنا نیست. در نتیجه، زنان نیز همچون مردان به فرزند و فرزندآوری نگاه می‌کنند [۲۴]. دیگر یافته‌های پژوهش نشان داد که طبقات بالاتر نگرش منفی‌تری به فرزندآوری

نسبت به طبقات متوسط و پایین دارند. این یافته در راستای یافته‌های پژوهش هاشمی‌نیا و همکاران، ارجمند سیاه‌پوش و برومند است که در پژوهش‌شان نشان دادند با افزایش پایگاه اقتصادی-اجتماعی نگرش خانواده‌ها به فرزندآوری منفی و از تمایل آنها به فرزندآوری کاسته می‌شود [۲۶، ۲۵]. با بالا رفتن سطح پایگاه اقتصادی-اجتماعی معمولاً جهان‌بینی‌ها و نوع نگرش افراد به زندگی دگرگون می‌شود و افراد خواهان سطح زندگی ایده‌آل و نسبتاً بالایی برای خود و فرزندان خود می‌شوند [۲۷]. در واقع، افراد طبقات بالاتر به هزینه‌های روحی و روانی و حتی هزینه‌های فرصتی فرزند آگاهی دارند و معتقدند چنانچه تعداد فرزند کمتر باشد، برای علایق خود و تربیت بهتر فرزندان‌شان می‌توانند برنامه‌ریزی کنند [۲۵]. همچنین مشخص شد افرادی که دارای تحصیلات پایین‌تری هستند نگرش مثبت‌تری به فرزندآوری نسبت به افراد دارای تحصیلات بالا دارند. این یافته همسو با یافته‌های پژوهش صادقی، هاشمی‌نیا و همکاران، مشفق و غریب عشقی است که نشان دادند که سطح تحصیلات در ارزش‌گذاری فرزند و نگرش به فرزندآوری موثر بوده و با تعداد مطلوب فرزندان و نگرش به فرزندآوری رابطه معکوس دارد [۲۸، ۲۵، ۱۶]. در تحلیل این امر می‌توان گفت که

افراد بیشتر باشد، افراد نگرش‌های مثبت‌تری نسبت به فرزندآوری خواهند داشت.

همچنین مشخص شد که با افزایش میزان بازاندیشی مدرن، نگرش افراد به فرزندآوری منفی می‌شود. این یافته در راستای یافته‌های پژوهش اسحاقی و همکاران، محمودیان و رضایی است که در پژوهش‌شان نشان دادند بازاندیشی در نقش مادری و بازاندیشی در ارزش فرزند از عوامل مهم تاثیرگذار در نگرش به فرزندآوری است و تفسیر افراد از شرایط و نیروهای حاکم بر فرهنگ و جامعه، به طور بازاندیشانه نگرش‌های آنها را در خصوص فرزندآوری شکل می‌دهد [۳۱، ۱۱]. بازاندیشی به این واقعیت اشاره دارد که در فضای حرکت به سمت مدرنیته، ما مجبوریم پیوسته درباره اوضاع زندگی‌مان تدبّر و تأمل کنیم. ویژگی مدرنیته بازاندیشی درباره همه چیز است و بازاندیشی در باب سنت و ارزش‌های سنتی یا پیشین جامعه یکی از مهم‌ترین پیامدهای مدرنیته است [۳۲]. در جریان فرآیند بازاندیشی، نقش الگوهای سنتی در جهت‌دهی به کنش افراد کمرنگ شده و افراد در پرتو اطلاعات تازه دائماً کنش‌های (همچون فرزندآوری) خود را بازتفسیر می‌کنند [۳۳]. نفوذ مدرنیته و فرهنگ جهانی در ایران ارزش‌ها، باروها و نگرش‌های افراد را در بسیاری از جنبه‌ها مورد بازاندیشی قرار داده است. فرآیند بازاندیشی مدرن، نگرش افراد در ارزش‌گذاری برای فرزند را تغییر داده، به نحوی که به فواید معنوی و عاطفی داشتن فرزند کمتر توجه می‌شود. همچنین امروزه فرد خواسته‌ها و نیازهای عاطفی خود را در فرزند نمی‌یابد و تمایلی برای فرزندآوری ندارد و نگرش منفی نسبت به پیامدهای فرزند بیشتر از آثار مثبت فرزندآوری در ذهنش متصور است [۱۱]. علاوه بر این، مطابق با نظریه گذار جمعیت‌شناختی دوم، بازاندیشی در نقش‌های سنتی زنانگی و مادری از جمله عوامل موثر در نگرش منفی به فرزندآوری است و زنان به دنبال کسب هویت جدیدی هستند. امروزه زنان در هویت خود بازاندیشی کرده‌اند و این بازاندیشی منجر به تغییرات عمده در نهاد خانواده شده است. این بازاندیشی در هویت باعث تغییر نگرش افراد به ویژه زنان نسبت به فرزند شده است و نگرش منفی آنها به فرزند بیشتر از نگرش مثبت آنها است. افراد هزینه فرزند را بیشتر از سود آن می‌دانند و تولد فرزند را مانعی برای رسیدن به هویت جدید می‌دانند، بنابراین سعی می‌کنند موانع (یعنی فرزندآوری) را حذف کنند [۹].

تحصیلات باعث تحولات فردی و دگرگونی در ایده‌آل‌ها و نگرش‌های شخصی می‌گردد و با گسترش افق دید افراد به ماورای مرزهای سنتی جامعه، آنها را به ارزیابی دوباره از ارزش فرزندان وادار می‌سازد. همچنین تحصیلات می‌تواند به تغییراتی اساسی در توقعات و انتظارات والدین، زیر سوال بردن باورهای سنتی و ساختارهای قدرت و در نهایت استقلال زنان و قدرت چانه‌زنی آنها در تصمیم‌گیری‌های فرزندآوری منجر شود. علاوه بر این، تحصیلات می‌تواند با افزایش هزینه‌های فرصت فرزندآوری و تربیت فرزندان در میان خانواده‌های تحصیلکرده، منجر به تغییر در ارزش‌گذاری فرزندان شود و درک والدین از هزینه‌های فرزندآوری را بالا ببرد و به این ترتیب بر نگرش و تقاضا برای فرزند تاثیر بگذارد [۲۹].

سایر یافته‌های پژوهش بیانگر آن است که با افزایش میزان خانواده‌گرایی در بین افراد نگرش آنها به فرزندآوری مثبت می‌شود. این یافته در راستای یافته‌های پژوهش Atoh است که تغییر و تحولات رخ داده در خانواده‌های ژاپنی را یکی از عوامل اصلی نرخ پایین فرزندآوری و نگرش منفی به فرزند در این کشور می‌داند [۳۰]. به باور Blake و Davis ارزش‌های طرفداری از افزایش موالید در خانواده‌های گسترده در مقایسه با خانواده‌های هسته‌ای (که شکل غالب خانواده در جوامع امروزی است) بیشتر رایج است، زیرا فرزندان بیشتر به عنوان نوعی موهبت اقتصادی، هم به لحاظ این‌که نیروی کار خانواده را تأمین می‌کنند و هم این‌که در سنین پیری از والدین خود حمایت می‌کنند، در نظر گرفته می‌شوند [۲۹]. ارزش‌های خانوادگی، امروزه با تغییرات گسترده‌ای که در سطح جامعه ایجاد شده، در حال دگرگونی و فروپاشی هستند. تغییر در چنین ایستارهایی، نقش تعیین‌کننده‌ای در روندهای جمعیت‌شناختی همچون نگرش به فرزندآوری داشته است [۵]. در واقع، طبق نظریه گذار جمعیت‌شناختی دوم، تغییرات به وجود آمده در جامعه (تغییر نظام ارزشی جامعه از جمع‌گرایی به فردگرایی، کاهش نفوذ نیروهای سنتی بر روی فرد، به هم خوردن تقسیم کار جنسیتی و...) منجر به تغییراتی در خانواده و نظام ارزشی (کاهش میزان ازدواج، افزایش میانگین سن ازدواج، افزایش میزان طلاق، افزایش همخانگی) آن شده است. تغییرات صورت گرفته در خانواده نیز به نوبه خود منجر به تغییراتی در نگرش و الگوهای رفتاری فرزندآوری شده است [۲۹]. بنابراین، هر چقدر میزان تغییرات رخ داده در نهاد خانواده کمتر باشد و در قبال آن میزان خانواده‌گرایی

پژوهش حاضر نشانگر آن بود که خانواده‌گرایی، بازاندیشی مدرن، استفاده از رسانه‌های نوین و دینداری از عوامل موثر در نگرش به فرزندآوری در بین خانواده‌های شهر تبریز است. این یافته‌ها می‌تواند چشم‌اندازی از وضعیت فعلی نگرش به فرزند و فرزندآوری را در بین خانواده‌های ایرانی نشان داده و راهنمای عمل تصمیم‌گیرندگان و برنامه‌ریزان جمعیتی در سیاستگذاری‌های خود در جهت نگرش به فرزندآوری قرار گیرد. در واقع، هر گونه برنامه عملی و کاربردی در زمینه اصلاح نگرش منفی به فرزند و افزایش نگرش مثبت به فرزندآوری باید معطوف به تقویت میزان خانواده‌گرایی یا تعلق خاطر به ارزش‌های خانوادگی و سطح دینداری افراد باشد.

سهم نویسندگان

محمد عباس زاده: استاد راهنمای رساله و مشارکت در نگارش مقاله
توکل آقایاری: استاد مشاور رساله و مشارکت در نگارش مقاله
محمد باقر علیزاده اقدم: استاد مشاور و مشارکت در نگارش مقاله
صمد عدلی پور: تنظیم گزارش اولیه و نهایی، تنظیم مقاله،
جمع‌آوری و ورود داده‌ها و نویسنده مسئول

تشکر و قدردانی

مقاله حاضر از رساله مقطع دکترای تخصصی رشته جامعه‌شناسی اقتصادی و توسعه با عنوان «مطالعه نقش فرایند نوسازی در تغییر و تحولات خانواده؛ مورد مطالعه: خانواده‌های شهر تبریز» مصوب دانشکده حقوق و علوم اجتماعی دانشگاه تبریز استخراج شده است. بدین وسیله پژوهشگران این مطالعه بر خود لازم می‌دانند از تمامی پرسشگران و افرادی که در جمع‌آوری داده‌های مطالعه حاضر، آنها را حمایت کردند و پاسخگویانی که صبورانه برای تکمیل پرسشنامه‌های پژوهش همکاری به عمل آوردند، صمیمانه تشکر و قدردانی نمایند.

بخش دیگری از یافته‌ها بیانگر آنند که با افزایش میزان استفاده از اینترنت و شبکه‌های اجتماعی مجازی، نگرش افراد به فرزندآوری منفی می‌شود. این یافته همسو با یافته‌های پژوهش رسول‌زاده اقدم و همکاران، عنایت و پرنیان، Kola و همکارانش است که نشان دادند رسانه‌های ارتباط جمعی از عوامل مهم و تاثیرگذار بر نگرش‌های فرزندآوری افراد هستند [۳۴-۳۶]. اگر چه بین میزان استفاده از شبکه‌های اجتماعی مجازی و نگرش افراد نسبت به فرزندآوری همبستگی معنادار معکوسی وجود دارد اما این متغیر در مدل رگرسیون نتوانسته تاثیر معنادار بر نگرش افراد در زمینه فرزندآوری داشته باشد. یافته‌های پژوهش قربانی و همکارانش نیز نشان داد که استفاده از شبکه‌های اجتماعی مجازی بر کاهش تمایل به باروری تأثیری نداشته است [۳۷]. در مجموع، می‌توان گفت که گسترش رسانه‌های نوین، سبک‌های جدید زندگی را برای افراد به همراه دارد. رسانه‌ها نقش مهمی در اشاعه ترجیحات و هنجارهای فرهنگی مرتبط با فرزندآوری پایین و مطلوبیت خانواده مدرن دارند [۱۶]. در نهایت مشخص شد که دینداری بر نگرش مثبت افراد به فرزندآوری تاثیر دارد. این یافته‌ها همسو با یافته‌های اوجاقلو و همکاران، کلانتری و همکاران، پژهان و کمالی‌ها، راد و ثوابی، رستگار خالد و مقدمی، Kertzer و همکاران است که نشان دادند دینداری و باورهای مذهبی عاملی تاثیرگذار بر رفتار و نگرش فرزندآوری افراد هستند [۳۸-۴۲]. در تحلیل این یافته می‌توان گفت که ایدئولوژی دینی برخی از گروه‌های مذهبی و ادیان همچون اسلام به گونه‌ای است که فرزندآوری زیاد را تجویز و تقویت می‌کند. به عنوان مثال، مطابق باورهای دینی اسلام، ازدواج در سنین پایین تشویق می‌شود، افراد استفاده از وسایل کنترل موالید و سقط جنین را ناشایست و حرام تلقی می‌کنند، یا اساساً داشتن فرزند زیاد را یک ارزش می‌دانند. به این ترتیب این قبیل اعتقادات و آموزه‌های مذهبی سبب می‌شود که نگرش پیروان آنها به فرزندآوری مثبت و تمایلات فرزندآوری آنان زیاد باشد [۴۳]. در مجموع، یافته‌های

منابع

1. Hosseini GH, Hosseini H. Comparing determinants of fertility behaviour among Kurdish women living in rural areas of Ravansar and Gilangharb cities. Journal of Kermanshah University of Medical Sciences 2013;17:316-24 [Persian]
2. Zare Z, Saffari E, Kiaee Tabar R. Fertility motivations and their relation with attitude towards

government incentives for childbearing in women of reproductive age. Journal of Mazandaran University of Medical Sciences 2018;28:104-14 [Persian]

3. Erfani A. Fertility in Tehran city and Iran: rates, trends and differentials. Population Studies 2013;1:87-153 [Persian]

4. Safiri K, Kamali A, Faraji E. Sociological study of positive attitude toward the child (Case study of women of Ilam city). *WomensStrategyStudies* 2017;19:85-109 [Persian]
5. RastegarKhaled A, Mohammadi M. Cultural changes and fertility decline in Iran (based on secondary analysis of the data of the survey of Iranian values and attitudes). *Journal ofApplied Sociology* 2015;26:159-80 [Persian]
6. Parvinian F, Rostamalizadeh V, Habibi R. The effects of women's modern lifestyle on their fertility and childbearing- a case study in Qazvin city. *Journal ofWoman&Society* 2019;9:39-72 [Persian]
7. Afshari Z. The Socio-Economic Determinants of Fertility in Iran (Panel Data Approach). *Journal of Economic Growth and Development Research* 2016; 6:13-20 [Persian]
8. Ojaghloou S, Moradi A, Ghasemi I, Arshad J. Generational changes in the value of children and the childbearing behavior of women before and after the Islamic Revolution (Case Study: Zanjan City). *Woman in Culture & Art* 2012;6:409-25 [Persian]
9. Chamani S, Shakribii A, Moshfegh M. Sociological determinants of childbearing (case study: married women in Tehran). *Journal of Sociocultural Strategy* 2016;5:137-65 [Persian]
10. Razaghi Nasrabad H. How women's education affects delinquency in childbearing?: the results of a qualitative study among university students of Tehran. *Journal of Sociocultural Strategy* 2016;5:167-90 [Persian]
11. Eshaghi M, Mohebbi SF, Papinejad S, Jahandar Z. Working women's childbearing challenges: a qualitative study. *Women in Development and Politics* 2014;12:111-34 [Persian]
12. Chamani S, Moshfeq M, Shekarbeigi A. The study of challenges pertaining to the child bearing in tehran city with the emphasis on the mixed method. *Gender and FamilyStudies* 2015;3:9-38 [Persian]
13. Jokar M. Modernity, lifestyle change and population decrease in Iran. *Islamic Research Journal of Women and Family* 2014;2:39-69 [Persian]
14. Tavousi M, Esmaeil Motlagh M, Eslami M, Haerimehrizi A, Hashemi A, Montazeri A. Fertility desire and its correlates: a pilot study among married citizens living in Tehran, Iran. *Payesh* 2015;5:597-605 [Persian]
15. KavehFiruz Z, Karami F. Assessment of the impact of family power structure on fertility rate in Tehran City. *Women in Development and Politics*. 2015;13:291-308 [Persian]
16. Sadeghi R. Analysis of socio-cultural context of women's fertility decline in Iran. *Journal of Sociocultural Strategy* 2016;5:217-46 [Persian]
17. Mobasheri M, Alidosti M, Sorshajani S, Khosravi F, Khalafian P, Jalilian M. Determination of the most important factors influencing the fertility patterns of single child and without child families in Shahr-e-kord city in 2013. *Journal of Ilam University of Medical Sciences* 2013;21:63-70 [Persian]
18. Barber JS. Ideational influences on the transition to Parenthood: Attitudes toward Childbearing and Competing Alternatives. *Social Psychology Quartly* 2001;64:101-27
19. Mitchell D, Gray E. Declining Fertility: Intentions, attitudes and aspirations. *Journal of Sociology* 2007;43:23-44
20. Hosseini H, Bagi B. Determinant of economic social, cultural and demographic of childbearing tendencies in married of referred to health centers in Hamadan city. *Journal of Kermanshah University of Medical Sciences* 2012;18:35-43 [Persian]
21. Baezzat F, Ahmadi Ghazlojeh A, Marzbani Y, Karimi A, Azarnioshan B. A study of psychometric properties of Persian version of attitudes toward fertility and childbearing scale. *Journal of Urmia Nursing and Midwifery Faculty* 2017;15:37-47 [Persian]
22. Mousavi SF, Ghafelebashi MS. A study of attitudes towards childbearing in young families of Qazvin city. *Women and Family Studies* 2014;1:111-34 [Persian]
23. Piltan F, Rahmanian M. Sociological study of factors affecting the tolerance of children of married women and men (case study: women and men aged 25-45 years in Jahrom). *Journal of Iranian Social Development Studies* 2015;7:121-34 [Persian]
24. Rastegar Khaled A, Moghadami S. Examination of gender differences in attitude towards children. *Woman in Culture & Art* 2016;8:101-16 [Persian]
25. Hashemi F, Rajabi M, Ahmadi A. Study of women's attitude toward value of children (case study: women 15-49 years old of Shiraz City). *Journal of Applied Sociology* 2017;28:61-78 [Persian]
26. Arjmand Sahrpoush I, Boroumand N. Investigation of social and cultural factors affecting the propensity to childbearing in Andimeshk City with emphasis on lifestyle (case study of married women

under 35). Journal of Sociological Studies of Youth 2016;6:9-24 [Persian]

27. Pezhghan A, Arab SM. The social, cultural and economic factors affecting the number of ideal children among employed and unemployed women in district 8 of Tehran city. Journal of Population 2017;22:58-78 [Persian]

28. Moshfegh M, Ghreb Eshgee S. An analysis on relationship between the value of children and fertility among tehran's women. Womens Strategy Studies 2013;15:93-120 [Persian]

29. Hosseini H. Socioeconomic Demography and Family Planning. 2st Edition, Hamadan University, Iran, 2011 [Persian]

30. Atoh M. The relevance of ideational changes to family transformation in postwar Japan. In international family change. 1st Edition, Routledge: UK, 2008

31. Mahmoudian H, Rezaei M. Women and low childbearing action: the case study of kurdisch women. Womens Strategy Studies 2012;14:173-225 [Persian]

32. Sadeghi Fasaei S, Isari M. The sociological study of divorce patterns. Journal of Social Problems of Iran 2015;6:131-56 [Persian]

33. Khormour Y, Dehghan AA, Dehghan F, Behjati ASL SF. The relationship between globalization and rethinking among the youth in Yazd City. Journal of Social Development 2017;12:127-50 [Persian]

34. Rasoulzadeh Aghdam S, Afshar S, Adlipour S, Mir Mohammadtabar SA. Analysis of the relationship between social capital and lifestyle with tendency to childbearing (Case study: Students of Azerbaijan Shahid Madani University). Journal of Sociocultural Strategy 2017;5:107-35 [Persian]

35. Enayat H, Parnian L. Study of the relationship between cultural globalization and the propensity for childbearing. Journal of Woman & Society 2013;4: 109-136 [Persian]

36. Kola O, Uchec IA, Akinrinola B. Correlates of spousal communication on fertility and family planning among the Yoruba of Nigeria. Journal of Comparative Family Studies 2006;37:441-460

37. Ghorbani F, Golmakani N, Shakeri MT. Relationship between the use of virtual social networks and tendency to childbearing in the students of Ferdowsi and Mashhad university of medical sciences. Iranian Journal of Obstetrics, Gynecology and Infertility 2016;19:15-24 [Persian]

38. Kalantari S, Abbaszadeh M, Mozaffari F, Rakaei Bonab N. Sociological study of tendency to childbearing and some related factors (Case study: married youth of Tabriz city). Journal of Applied Sociology 2010;3:83-104 [Persian]

39. Pezhghan A, Kamaliha A. The Effect of Cultural Factors on Women's Reproduction in 15-50 Years of the 12th District of Tehran. Journal of Sociocultural Studies 2015;6:115-37 [Persian]

40. Rad F, Savabi H. Investigating the tendency towards childbearing and its related factors (case study of married women 15-15 years living in Tabriz City). Journal of Woman and Family Studies 2015;3:127-155 [Persian]

41. Rastegar Khaled A, Moghadami S. Investigating the relationship between tendency toward secular values and attitude toward child among couples aged 15-49 years in Tehran. Journal of Sociology of Social Institutions 2018;5:159-80 [Persian]

42. Kertzer D, White M, Bernardi L, Gabrielli G. Italy's path to very low fertility: the adequacy of economic and second demographic transition theories. European Journal of Population 2009;25:89-115

43. Foroutan Y, Rezaei Pashaei S. The effect of religious identity on desertification in selected rural and urban areas of Iran. National Studies 2018;19:75-96 [Persian]

ABSTRACT

Attitude towards childbearing among married women and men aged 18-49 years: The role of religiosity, family, modern media, and modern rethinking

Mohammad Abbaszadeh¹, Tavakkol Aghayari Hir¹, MohammadBagher Alizadeh Aghdam¹, Samad Adlipour^{1*}

1. Faculty of Law and Social Sciences, University of Tabriz, Tabriz, Iran

Payesh 2019; 18(2): 173- 182

Accepted for publication: 29 May 2019

[EPub a head of print-2 June 2019]

Objective (s): As sociologists believe, some part of family changes in Iran is due to changes in people's attitudes toward childbearing values. The present study aimed to study some social factors affecting the attitude towards childbearing among married women and men.

Methods: This cross-sectional was conducted among a sample of married women and men aged 18 to 49 years using cluster sampling technique in Tabriz, Iran. The research instrument consisted of a self-designed questionnaire on attitude towards childbearing, religiosity, family and modern media and modern rethinking.

Results: In all 415 citizens were selected. There was no significant difference in attitudes toward childbearing between women and men ($p = 0.919$), but there was significant difference between participants with different educational levels ($p = 0.010$) and socioeconomic statuses ($p = 0.027$) regarding attitudes toward childbearing. There was a direct correlation between family orientation ($p = 0.000$, $r = 0.54$) and religiosity ($p < 0.0001$, $r = 0.42$) with the attitudes toward childbearing, and between modern reflexivity ($p < 0.0001$, $r = -0.38$), degree of usage of internet ($p < 0.0001$, $r = -0.30$) and degree of usage of virtual social networks ($p < 0.0001$, $r = -0.24$) with the attitudes toward childbearing. Independent variables entering the regression model explained 40% of the variance in attitudes toward the participants' childbearing.

Conclusion: To create positive attitudes towards childbearing among Iranian families, special attentions should be paid to strengthen family life and religion believes.

Key Words: Religiosity, Familialism, Modern Media, Modern Reflexivity, Childbearing

* Corresponding author: Faculty of Law and Social Sciences, University of Tabriz, Tabriz, Iran
E-mail: s.adlipour@tabrizu.ac.ir